

چکیده

سید زمان الدین عدیم از شاعران معاصر و روحانی است که عمرش را در صرف عقیده و ایمان نموده و در این زمینه رنج ها و تکالیف زیادی اعم از تبعید ، تحقیر و فقیر را کشیده؛ ولی دست از دعوت و امر به معروف فرونگذاشته است. اخلاق اسلامی از شیوه هایی است که عدیم به آن خیلی توجه داشته و دیگران را نیز تشویق به رعایت آن نموده، تا جامعه را به سوی صفایی سوق داده و از منکرات پاک عاری سازد. هدف از تهیه این مقاله نقد و بررسی شعر عدیم از دید اخلاق اسلامی و ارزش های معنوی آن است، تا در یافته شود که آیا شخص شاعر توانسته است که از طریق اشعار خویش به پخش و اشاعه اخلاق اسلامی پردازد و واقعا در این زمینه تا چه حدی نایل آمده که شعرش را در اختیار عقیده قرار بدهد. قسمتی از دیوان این شاعر به موضوعات اخلاقی، تعلیمی و تربیتی ویژه ساخته شده و در دل و جان خواننده و شنونده تأثیرات خویش را به جای گذاشته است. اشعار مورد پسند اسلام این شاعر مدت زمانی جایگزین اشعار غنایی شده و در محافل و مجالس به زمزمه می گرفته گرفت می شدند و تأثیرات اشعار شاعر را در میان عوام و خواص بیشتر متبلور می ساختند. پس به این نتیجه می رسیم که او در این عرصه سخت کوشیده و آرزوی های خویش را که همان جامعه عاری از فساد بوده، تا جایی به تصویر کشیده است.

کلید واژه: اخلاق، اسلام، ارشاد، شعر، عدیم.

مقدمه

عدیم از جمله شاعرانی است که به اصول تعلیمی و اخلاقی به شدت پایبند بوده و تلاش نموده تا شعر خود را برای هدایت مخاطب و تعلیم اصول انسانی و پرهیز از امور غیر اخلاقی به کار گیرد. اشعار او سرشار از آموزه های اخلاقی و تعالیم الهی است که با پشتوانه ی دین و معنویت در حل مسائل تربیتی و اخلاقی می تواند مؤثر واقع شود. این مقاله با توجه به مسایل تعلیمی و اخلاقی به بررسی رویکردهای تعلیمی، تربیتی و اخلاق اسلامی در کتاب اشک حسرت پرداخته و نمونه ی عینی و عملی ایده ها و نظریات عدیم در قبال مبارزه علیه زشتی ها و اعمال ناپسند که هم دین را و هم دنیا را در مخاطره انداخته اند، بیان می کند. در واقع این سلسله مباحث بیانگر مبارزه شاعر علیه ناهنجاری هایی است که بیشتری از افراد جامعه بدون در نظر داشت اصل و اصول دینی (عمدا و یا سهوا) دست به اعمالی می یازند که هم خود و هم جامعه را به سوی فساد و تباهی می کشانند و هدف شاعر از بیان این گونه سخنان این است که تا یک جامعه عاری از هر نوع اعمال رذیله داشته باشد تا با توجه این رویکرد، می توان از اشعار تعلیمی و تربیتی در جهت رسیدن به سلامت روانی و ارتقای سطح زندگی و کمال فکری بشر استفاده کرد.

این موضوع همانند بسیاری از مباحث مهم دینی و اخلاقی همواره مورد توجه او بوده است؛ زیرا که خود را در برابر جامعه مسئول دانسته و به اصول مذهبی و اخلاقی سخت پایبند بوده و دعوت به سوی فلاح و رستگاری را از وجیبه های مذهبی، دینی و عقیده‌تی خود دانسته است. نگاهی به اشعار او نشان می دهد که ارتباط بیشتر او با مبانی دینی و آموزه های قرآنی توجه او به سوی رفتار اهل جامعه جلب و پخش موضوعاتی که به آن پایبند بوده، به چشم می خورد و باور دارد که هر چیزی که در مورد اصلاح جامعه بیان کرده همه از قول خدا، رسول خدا و امامان بوده است. وی در دیوانش از آموزه های دینی و قرآنی چه به زبان رمز و اشاره و چه به زبان صریح و تضمین و تلمیح بهره های فراوان برده و علیه هر نوع منکرات به حکم این قرآن می فرماید: **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أَلَا يَتَذَكَّرُ الَّذِينَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ** (سوره آل عمران، آیه 110) شما مسلمانان بهترین امتی هستید که خدا برای مردم جهان نمایان فرمود زیرا امر به معروف و نهی از منکر می کنید و ایمان به خدا دارید». مبارزه فراوانی نموده است.

ضرورت تحقیق

عديم دانسته که چون علاقه ذاتی انسان به شعر و قصه و حکایت امری اثبات شده و غیرقابل انکار است از این روی برای آموزش و ترویج حساس ترین و اصلی ترین اصول انسانی، مذهبی و اجتماعی زبان شعر را برگزیده است و به نظر می رسد که در این راستا خیلی موفق هم بوده و به آسانی توانسته که اسپ پخش و نشر توجه به اعمال ستوده را در تمام کتاب خویش جهانداده است و این مهم باعث مانده‌گاری آثار وی خواهد شد و ماندگاری اشعار این شاعران را اثبات خواهد نمود و از طرفی دیگر و با توجه به عدم نشر دوباره دیوان شاعر و کمیاب شدن آن در بازار و دوری ضرورت است تا اشعارش بیشتر تحت بررسی واقع و نتایج آن در اختیار اهل جامعه قرار داده شود.

هدف تحقیق

1. بررسی موضوعات آموزنده و مورد تایید و تحسین اسلام در شعر عديم است و دریافت میزان تاثیر پذیری این شاعرا از آیات قرآن و احادیث
2. دریافت میزان موفقیت این شاعران در تبیین موضوعات مورد تایید اسلام و دلیل موفقیت او در این حوزه .
3. شناسایی راهکارها و بیان شواهد متعدد در ارتباط به موضوعات مورد تایید اسلام در اشعار عديم
4. دریافت توصیه‌های عديم به مخاطبان و مجریان امر از یک طرف و اهالی فرهنگ و هنر از طرفی دیگر در جهت اجرا و ترویج خواسته های الهی و انسانی.
5. گام برداشتن به سوی موضوعات ارشادی در اشعار شاعرجهت کمک به هدایت و رستگاری جامعه.

سوالات تحقیق

- 1- آیا عديم در شعر خود به موضوعات آموزنده و مورد تایید و تحسین اسلام اشاره داشته؟
- 2- نحوه تاثیر گذاری اشعار او در باره موضوعات مورد تایید و تحسین اسلام چگونه است؟

پیشینه تحقیق

در ارتباط به موضوع در آثار دیگران تحقیقات عمیق و گسترده‌بی انجام شده است. کتاب‌هایی که در این باره بحث کرده‌اند موضوع را از جنبه‌های مختلف فقهی، حدیثی، تفسیری، آیات‌الاحکام، اخلاقی و کلامی بررسی نموده‌اند. ذکرچندی از آنها در این بحث خالی از مفاد نخواهد بود

دکتر حسین رزمجو کتابی دارد تحت عنوان نقد و نظری بر شعر گذشته از دید اخلاق اسلامی که مختصراً تمام اشعار شاعران را بررسی کرده و در این زمینه نقد و نظر خویش را بیان داشته است

رمضان رضایی مقاله نوشته در باره (در آمدی بر مضامین اخلاقی از دیدگاه سعدی و یونس امره) او در این مقاله به این نتیجه رسیده که هردو شاعر کوشیده اند از راه پند و اندرز مردم را به سویی هدایت کنند که از نقطه نظر جهان بینی آنها شرایط مطلوبتری را بری زیستن فراهم نمایند.

حقوق شهروندی در بوستان سعدی عنوان مقاله‌یی است که معصومه ذوقی آن را به دست نشر سپرده و در آن مدعی است که سعدی در مورد حقوق شهروندی به دور از یک جانبه نگری همه مسایل اجتماعی را زنجیره وار در کنار هم می بیند و برای حل معضلات هر بخش راه کار های خاصی را ارایه می کند.

اما پژوهش و تحقیقی که راجع به بررسی تجلی موضوعات مورد پسند همه را در شعر عديم باشد کسی نه پرداخته و ندیده هم نشد و از این جهت م می تواند حائز اهمیت باشد. بدیهی است عظمت وگستره این حوزه بر احدی پوشیده نیست و ما نیز برآنیم تا ابعاد این بحث سترگ را در اشعار شاعر مذکور بررسی نماییم .

روش تحقیق

روش کار به صورت تحلیلی-توصیفی بوده که ابتدا موضوعات مرتبط به موضع اعم از کتاب های معتبر، مجلات و مقالات جمع آورید شده سپس به تفسیر و تحلیل محتوا پرداخته شده است. جامعه آماری پژوهش در این بحث اشک حسرت عدیم است. مطالب در ارتباط به موضوع از روی نوشته دیگران با در نظر داشت اصل امانت گرفته شده و حسب لزوم پشت سر هم گذاشته شده اند.

توجه عدیم به اصول اخلاقی و اجتماعی

دانش اخلاق راجع به ملکات و فضایل و رذایل نفسانی بحث می‌کند و به صفات و افعال مثبت و منفی نفسانی که در علم اخلاق تحت عنوان فضایل و رذایل نفسانی به آنها اشاره می‌شود موضوعاتی اند که در در دیوان عدیم به وفور دیده می‌شود و هدف از بیان این گونه موضوعات در متون شعری یک جامعه عاری از همه رذایل و پلشتی های اخلاقی و نفسانی است. برخی از صفات نیک و ممدوح اخلاقی در دیوان عدیم عبارتند از: راستی، تواضع، شجاعت، صبوری، عفت، حلم و حزم. افعال نیک عبارتند از: عدل، ایثار، عفو، صلح رحم، حمایت از مظلومان، روا نداشتن آنچه انسان بر خود نمی‌پسندد بر دیگران، نیکی به دیگران، مهرورزی با انسان‌ها، اصلاح میان مردم، مراعات حقوق انسان‌ها و خوشرفتاری با والدین. رذایل نفسانی نیز شامل رذایل صفاتی و رذایل افعالی است. برخی از صفات زشت و مذموم اخلاقی عبارتند از: دروغ گوئی، حسد، حرص، جبن، تهور، تکبر، خشم، حقد، تبختر، نخوت، طمع و تملق. برخی از افعال زشت و مذموم اخلاقی عبارتند از: دزدی، ظلم، شهوت، چاپلوسی، مدح ستمگران، سعایت و سخن چینی، ریا، خودپرستی، وهن مومن، پرونده سازی، تجسس، غیبت، تهمت، تفرعن و خودبینی یا عجب که عدیم از این افعال نا ستوده سخت بیزار بوده و از کسانی به چنین اعمال گرفتار متنفر است.

علمای علم اخلاق معتقدند تخلق به صفات ممدوح اخلاقی، اسباب زینت روح است. علم اخلاق اصولاً علمی است ایستا، بر عکس عرفان که علمی است پویا. ارسطو فیلسوف یونانی، مرجع فکری بسیاری از علمای اخلاق، معتقد است غایت مطلق اخلاق "سعادت" است و حصول سعادت به واسطه فضیلت امکان پذیر است. فضیلت حد وسط افراط و تفریط است.

...به حسن خلق انسانی که هست اخلاق فرقانی	قلوب مستمندان را یگانه دلستان باشی
ز نور آفتاب عقل چون اسم با مسمایت	ز اشراف وطن در جمله روشندان باشی
بسا کاری است در عالم که از راه غرض خیزد	حکیمانه در این معنی ظریف نکته دان باشی
ز غماز و ربا خوارو مخل نبود جهان خالی	خلاف میل طبع جمع این مشمت خسان باشی

(عدیم)

(1380، 230)

خوش آن مرد خردمندی که طبق حکم فرقانی	رود برجاده انصاف آداب مسلمانی
بباید رهبر دانا که با مفکوره عالی	کند مرقوم نادان را رها از قید نادانی
دو شمع اند اندرین پیکر یکی ایمان یکی وجدان	جهان را روشنی بخشند چون خورشید نورانی
معارف معرفت خواهد اگر خواهی شوی عارف	طلب کن رهبر تحقیق استادان عرفانی
بجز علم و هنر فخر بشر هیچ است میدانم	به قول مخبر صادق بامر ذات سبحانی
قبای تازه و جاه و جلال و مسند و عزت	بعید از علم اخلاق است و دور از فضل انسانی
شرف از عقل کلی عقل جزوی گر همی یابد	کند آنگه به خود ادراک معقولات عقلانی

از دید عديم انسان های عادی همیشه نیاز مند یک رهنا اندآن است تا به آسانی بتوانند راه خویش را به مقصد دریابند و روح خود را معالجه کنند چون معالجه و درمان روح از علاج تن سخت دشوارتر است، بیماریهای دل و امراض نفسانی نیک در پرده و پوشیده است، کسی که بدین گونه بیماری گرفتار می شود بیمار است و درد خود را حس نمی کند، این علل و امراض گاهی جداگانه اثر می کنند و گاهی با یکدیگر می آمیزند و بیماری صعب و هول انگیزی را سبب می شوند، با وجود سختی و دشواری مرض، بیماران روحی از احوال خود لذت می برند و بدان می نازند تا چه رسد بدانکه در صدد علاج برآیند و به طبیبی علت شناس گرآیند، درمان دل و نفس به وسیله کتب همچنانست که کسی بیماری محسوس را از روی کتب طب معالجه کند و یا از داروساز بخواهد که دارویی برایش تجویز کند، اصل و پایه درمان، تشخیص بیماری است که بدون طبیب حاذق صورت نمی پذیرد، میزان استعمال دارو هم بسته به تشخیص طبیب است، کتب اخلاق مانند کتب طب و داروشناسی است و درمان روح از روی آن کتب، همان حکم دارد که معالجه هر مرض بوسیله کتاب های پزشکی و داروسازی.

جز خضر کس به چشمه کس به چشمه ایوان نبرد پی راهی است پر زخوف که محتاج رهنماست
مس وجود ما همه پرزنگ و تیره است با مخلصان هدایتش اکسیر کیماست
موضوع امر و نهی بشارات زندهگی بعد از فنای کشور تن عالم بقاست

(عديم، 285، 1380)

ستایش شایسته گان

یکی دیگری از شاخصه های مورد پسند شعر عديم ستایش کسانی است که واقعا ارزش ستایش را دارند و به قول حسین رزمجو ستایش از صاحبان فضیلت و معرفت در واقع بزرگداشت از مکارم اخلاقی و کرامت انسانی است. امری خداپسندانه و خرد پذیر.

انسانیت مروهون مبارزات و بزرگمردان فضیلت جویی است که در فراز و نشیب معبر پرماجرای تاریخ چنان صخره های سترگ و استوار؛ در برابر سیل بنیان کن مصائب و تلخکامی هایی که غالباً زورمندان زرمندار و ستم پیشه روزگار آنان برایشان فراهم آورده اند، استقامت کرده، انواع رنج و محنت و آوارهگی و احیانا مرگ را به جان خریده اند و همچون شمع سوخته اند تا جمع اصحاب را روشنی بخشیده و مسیر زندهگانی نوع بشر را با چشم انداز های فرح بخش آثار خویش، نشاطآور و مطلوب ساخته اند (رزمجو، 1382، 279).

پیغمبران خدا، آل عبا و امامان، و صاحبان علم و فضیلت از جمله کسانی هستند که عديم لب بیشتری به توصف آن گشوده است تا بر شمرده اوصاف و سجایای نیک شان دیگران را تشویق به پذیرش اوصاف ستوده شان نماید.

تا نفس باقیست باید مومن ولاگهر در ثنای خالق یکتای بی همتا بود
چون زکاف و نون پدید آورد جمع کاینات نسل آدم علت دنیا و مافیها بود
نازل تنزیل قرآن حضرت روح الامین از مقام قدس امر ربی الاعلی بود
هر دو عالم از دلیل کنت کنز گفته اند باعث نور محمد جملگی بر پا بود
بعد حمد ایزدو نعت رسول هاشمی نطق من در شان شاه اولیا گویا بود

(عديم، 1380، 265)

چون پیمبر وحی از ناموس اکبر یافته ای خوش آن قومی که او دین پیمبر یافته

دوری از غفلت

غفلت دارای مفهوم وسیع و گسترده ای است که هر گونه بی خبری - از شرایط زمان و مکانی که انسان در آن زندگی می کند، واقعیت فعلی و آینده و گذشته خویش، صفات و اعمال خود و از پیامها و آیات حق و همچنین هشدارهایی که حوادث تلخ و شیرین زندگی به انسان می دهد - را شامل می شود.

راغب می گوید: غفلت، سهو و لغزشی است که انسان را به خاطر کمی مراقبت و هشیاری فرا می گیرد. «رَجُلٌ غَفْلٌ»؛ مرد بی تجربه و نازموده را گویند. «مَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبُهُ عَنْ دِكْرِنَا»؛ «آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته». ایم

در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» آمده: غفلت، غایب شدن چیزی از خاطر انسان و عدم توجه به آن است و گاهی در مورد بی توجهی و روگردانی از چیزی نیز استعمال شده است. پس غفلت عبارت است از نبود تذکر و یادآوری... و اما مفهوم ترک و ندانستن، از آثار غفلت است. در قرآن کریم نیز، غفلت به معنای کم توجهی و بی خبری از حقایق آمده است.

عدیم به اعتلای وطن سخت علاقه مند است و سعی نموده که در کتاب خویش راجع به پیشرفت مملکت بیشتر صحبت کند. وی به این باور است که پیشرفت وطن نیازمند که به کار بیشتر و فهم علوم عصری است روی این اصل وی جوانان قرار داده از غفلت و تن پروری بر حذر می دارد.

ای پسر برخیز دور از مردم بیکار باش	یا مطیع کاردان شود یا که خود شهکار باش
جهد کن در پیشبرد اعتلای مملکت	با معارف روز و شب در کوشش تکرار باش
خواب غفلت تا کجا و بیسوادی تا بکی	چشم خواب آلود ازین خواب گران بیدار باش
عار باشد بی هنر بودن درین عصر و زمان	زین صفت باید که ای نسل جوان بیزار باش

(عدیم، 1380، 206)

مهرورزی

در اشک حسرت عدیم از ارزش های والای انسانی و توصیه های بشردوستانه زیاد صحبت شهاست که از آن میان، ستایش مهرورزی و نکوهش کینه توزی و انتقام جویی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

گرتورا بود در سر دعوی جوانمردی	لیک مرجوانان را چندکی نشانی هاست
اعتبار و خوشخوانی اقتدار و دلجویی	تازه رویی و نرمی ضم خوش زبانی هاست
سوی بردباری آی ترک تند خوبی کن	حسن خلق انسانی نیک زنده گانی هاست
از شرافت و اخلاق باش شهره آفاق	کز امور اخلاقی وقت خوش بیانی هاست
در دفاتر اداب درس خود نمایی نیست	حق نما شدن بر خلق عین مهربانی هاست
گر تو خویش را بینی بهتر از دیگر ابنا	راست گویم این دیدن راه بد گمانی هاست
هرچه زشت یا زیباست صنع آن توانا هست	در زمینه انسان را عجز و ناتوانی هاست
آنچه نام اسلام است یک وجود بالذاتیم	صلح کل درین معنی اصل نکته دانی هاست

امر حق بود از خود خلق را کنی خوشنود دل به دست آوردن شیوه جوانی هاست

(عدیم، 1380، 207)

حلم و بردباری

حلم از صفات شاخص و بارز پیامبران و بندگان شایسته شمرده شده است؛ انسان های حلیم و بردبار همیشه مورد ستایش قرار گرفته و مورد پسند واقع شده اند اما شکیبایی باید در جای و مکان خودش مورد استفاده قرار گیرد یعنی بردباری باید در مقابل بردباران باشد نه در برابر فردی که خود را بزرگ می پندارد و دیگران را به دیده ی حقارت می نگرد، زیرا این عمل از یک سو موجب پستی و ذلت انسان است و از طرف دیگر خود خواه را برای ادامه ی عمل ناپسندش تشویق می نماید و او گمان می کند که واقعا لایق احترام دیگران است.

از دید عدیم اگر کسی بخواهد حلیم باشد باید در برابر کنش های زشت و منکر افرادی با آنان معاشرت داشته باشد، واکنش پسندیده و نیک در مقابل اعمال ناپسند شان از خود نشان بدهد تا بتواند آنها را زیر تاثیر شکیبایی خویش قرار بدهد. حال اگر برخی این افشار و افراد رفتاری زشت داشتند ما معاشرت و رفت و آمد خود را حفظ می کنیم و در برابر بدی و زشتی آنان صبر کرده و با بردباری و حلم از راه کرامت وارد شده و با آنان نیکی کنیم.

عدیم به این باور است که کسی می تواند در زندگی در کمال موفقیت باشد که آستانه تحمل وی از درجه صبر به درجه حلم رسیده باشد و به هیچ وجه تحت تاثیر فشارهای درونی و بیرونی واکنش منفی نشان ندهد، بلکه حتی واکنش مثبتی نشان داده، حلیمانه با مردم برخورد کند. همان طوری که خداوند کافران و عاصیان را با حلم خود نه تنها در حال حاضر عقوبت نمی کند و حتی احسان و رحمت خود را بر آنان جاری می سازد.

اگر عمری به اهل فضل و ارباب وفا گردی	به چشم عده اشراف همچون توتیا گردی
کدورت خیز اشرارند ابنای زمان هر جا	دلادوری گزین زین خیل و با اهل صفا گردی
کلاه عجب از سر نه زسینه کینه بیرون کن	بر اوج فضل انسانی بجز کبر و هوا گردی
به داغ نامرادی ها و زخم ناتوانی ها	یکی را صورت مرهم یکی را چون دوا گردی
هر احسانی که از دست تو آید در حق مردم	همه بهر خدا باید بی روی و ریا گردی
ز خود بینی برون آ و به حکم عقل حق بین باش	به است از خود نمایی گر تو مرد حق نما باشی
عدیم خسته دل از اهل نخوت باش بیگانه	به اصحاب تواضع هر چه باید آشنا باشی

زخود بینی هر آنکس اجتناب ای دوستان دارد نظر چشم خداینش و رای آسمان دارد.

نکوهش مسکرات

پاره‌یی از دیوان اشعار عدیم به نکوهش مسکرات و دخانیات ویژه شده و در آن به نکوهش و تقبیح حالات و اعمال نا پسند افراد معتاد و میخواره.

خواهم اکنون به توده بیدار	نقص این کیف و کم نمایم یاد
رهزن است آنکه با نفوس محیط	برطریق غلط کند ارشاد
خانه سوز است این دخان ای دوست	برق درد و شرر نشانت داد
این وطن سوز دود زهر آلود	داده اسباب زنده گی برباد
آنچنان ظلم کرده‌یی برخود	نکند هیچ ظالم بیداد

عدیم، 1380، 231

از مقمر تا مخمر هر چه هست قوم بد رفتار بد می آیدم

پند و نصیحت

عدیم در تمام اشعار خود به گونه مستقیم و یا غیر مستقیم پند و اندرز را از یاد نبرده و اگر اندک ترین فرصتی مساعده شده بود سخنان رهنمودی خویش را به خصوص به سوی جوانان پرتاب می کرد.

عدیم براین بارو است که پند و نصیحتی که به عمل آموزند از پند گفتن بسیار قوی تر و گیراتر است، برای آن که این گونه پندپذیری به ادراک و استنباط خود انسان حاصل می شود و چیزی است که خود یافته و در ذهن ساخته است و انسان به مصنوعات و ساخته های خویش دلبستگی هر چه تمام تر دارد خواه آن ها را در ذهن و ضمیر خود بسازد یا دستکار خارجی و بیرونی او باشد گذشته از آن که عمل نشانه اعتقاد کسی است که آن را به انجام می رساند و کمتر احتمال ریا و تقلب در آن می رود برخلاف پندی که به گفتار دهند که موجب خودنمایی است.

دیگر آن که نصیحت هر چند به قصد خیرخواهی کنند در حقیقت مشتمل است بر بیان نقص و ضعف فکر دیگران و اظهار فضیلت خود، امری که ناخودآگاه و یا با وجود استعثار، هیچ کس آن را بر خود نمی پسندد و به هیچ خردمند و صاحب فضیلتی اجازه نمی دهد که خود را کامل و تمام خرد و او را ناقص و کوتاه فکر بشمارد و بدین جهت است که اندرزگوی و ناصح همیشه میغوض و دشمن روی است و مردم او را دوست نمی دارند و پیشینیان به همین جهت، شرط کرده اند که نصیحت در خلوت گفته شود، آوردن نصیحت و اندرز در لباس مثل و قصه نیز به همین دلیل است تا شنونده خود به نکات قصه و مثل توجه کند و کینه ناصح پندآموز را در دل نگیرد علاوه بر آن که امر و فرمان از هر امری که باشد حاکی از نوعی برتری و استیلاست و با غریزه ی خودخواهی بشر سازگار نیست و خود به خود موجب سرکشی و تمرد و سرپیچی از فرمان است .

کسانی که همیشه از پند پذیری می گریزند عدیم اینگونه مخاطب شان قرار می دهد.

در شوره زار لاله و سنبل نه می شود سلطان زخاندان یساول نه می شود

هر خطه بی که علم و هنر مسترد کند آنجا مقام تاب و تحمل نه میشود
ناخوانده علم حکمت و اسرار کیمیا از راه چشم و گوش تامل نه می شود

(عذیم، 1380، 88)

مقصد عذیم از سخن گفتن به قصد ارشاد و هدایت و برانگیختن و مشغول داشتن مستمع بوده است نه برای خودنمایی و فضل فروشی و امثال آن ها و در تمام این موارد توجه و شنیدن و گوش فرا داشتن از سوی شنونده شرط دانسته شده و به قول او حسن استماع، نشانه توفیق و کامیابی سخنور است، ناپروایی و بی التفاتی مستمع، از ناکامی و سوء تشخیص قائل حکایت می کند، گوینده ای که مستمع خوب ندارد مانند کسی است که به شتاب راهی را می پیماید و ناگهان سرش به دیوار می خورد. و به ناچار از حرکت باز می ایستد، این حالت در اجتماع و گروه افزون تر هر چه محسوس تر است زیرا در آن جا مظنه خودنمایی و یا ارشاد قوت بیشتر دارد.

نه مرد است آنکه اندر دهر با نام پدر گردد و یا جز علم و اخلاق و ادب با کرو فر گردد
هران مردی که می ناز به اجداد و نیاکانش ازین افسانه باید یک قلم قطع نظر گردد
ازین ابن فلان ابن فلان گفتن همان بهتر بشر ابن هنر ابن هنر گردد.....
سخن فهم و خرد پرور ز راه دانش و بینش همیداند که قول مبتدا بهر خبر گردد
فروغ علم و نور عقل روح از عالم صورت بسوی عالم معنی بشر را راهبر گردد
اگر روح سخن گویت عزیزا یافت دانش را سخن آخر ز آسیب جهالت بی خطر گردد
مر این مس وجودت را صفا چون کیمیا سازد ازین اکسیر اعظم خاک در دست تو زر گردد
طفیل دین اسلامی و ایجابات قرآنی سر افراز دو عالم پیرو خیر البشر گردد
به فخر تاج کرمنای و فر طوق فضلنا قرین منزل روحانیان بی بال و پر گردد

مذمت عجب

یکی از آموزه‌های نفس، عجب است که آثار ویرانگری بر صفحه دل می‌گذارد. عجب در نگاه لغت عبارت است از، به خویشتن نازیدن، تکبر، غرور و خودبینی (معین، 1380) و در نزد اندیشمندان، بزرگ شمردن آدمی است خود را به جهت کمالی که در خود می‌بیند اعم از آنکه آن کمال را داشته باشد و یا نداشته باشد اما گمان کند که دارد. و برخی نیز گفته‌اند، عجب عبارت است از این که، صفت یا نعمتی را که دارد بزرگ شمارد و نعمت دهنده آنرا فراموش کند. چه اینکه در فرق عجب و کبر آمده است، متکبر خود را بالاتر از غیر بداند و مرتبه خود را بیشتر شمارد اما در عجب پای غیر در میان نیست بلکه به خود می‌بالد و از خود شاد است و خود را شخصی می‌داند و منعم را فراموش کرده است.

ز خود بینی هر آنکس اجتناب ای دوستان دارد نظر چشم خداییش و رای آسمان دارد
مکان تحت الزمان است و زمان یک جنبشی باشد پدید آرنده اشیا صفات لامکان باشد
دو عالم را نمود ایجاد از یک حرف کاف و نون توانایی که قدرت همچو بحر بی کران دارد

(عدیم، 1380، 199)

خود خواهی و تکبر، جز غرایز انسانی و حتی حیوان است؛ بنابر آن از بین بردن آن ممتنع است، ولی آنچه در اصول اخلاقی نکوهیده است و خود خواهی را زشت می نماید، هنگامی است که غریزه در مجرای افتند که به زیان دیگر منتهی گردد (رضایی، 1393، 273). از آنجایی که انسان اشرف المخلوقات است، لذا لازم است که کبر و غرور نداشته باشد، کینه و نفرت را از خود دور بدارد و گناه هموعان خود را مورد بخشش قرار دهد و با دید خوب و مثبت به آنها نگاه کند.

عقل، علم و عمل

عقل، علم و عمل سه سرمایه گرانبها هستند که انسان با کاربرد و بهره برداری صحیح آنها راه تکامل و ارتقای معنوی و مادی خویش را هموار می سازد و سعادت دنیا و آخرتش را تامین می کند (رمجو، 1382، 301)

علم اگر با عمل ای دوست برابر گردد فتح و نصرت بتو آنگاه میسر گردد

شخص دانسته به هر جا که نهد پای مراد بیگمان فاتح و منصور و مظفر گردد

آدم پاک ز هر علت و آرایش و عیب از ره پیروی شرع پیمبر گردد

شاهراهی که بود سیر مقام بشری عقل بی علم در این مرحله مضطر گردد

اندرین وادی ضلمت کده ای جان پدر علم چون خضر ترا یاور و رهبر گردد

(عدیم، 1380، 211)

نتیجه گیری

عدیم در کتاب اشک حسرت خویش مضمون ها و تصویر هایی خلق نموده که راه را به سوی ارشاد و رهنمایی باز می کنند. وی از آیات، احادیث و مقوله هایی در شعر خود بکار برده تا جان مایه سخن خود را بیشتر آب و تاب موعظه، پند و اندرز بدهد تا تادیب، تنبیه و تذکر را از یاد نبرد.

او کوشیده است زبان و سخن خود را آماده بسازد که تا به مدد پند، اندرز و موعظه راه ستم، افت اخلاقی، خود خواهی، خود کامه گی اربابان قدرت و اهل اجتماع را ببندد تا پیامد های منفی آن در جامعه را که گاه بسیار وخیم می نماید و به سقوط و تباهی جامعه می شود چاره کند و یا کمی از عوارض آن بکاهد.

عدیم گرمی و سردی روزگار را بسیار دیده و اهل جامعه خود را بسیار آزموده است و با جامعه شناسی زمان خود به خوبی آشناست پس به خوبی می داند که چگونه رفتار نماید و چگونه با گمراهان و زورگویان سخن بگوید و پند و اندرز دهد.

خلاصه امر این که این شاعر توانا به مقتضای زمان خویش در مقابل هر نوع فساد اجتماعی ساکت ننشسته و تمام تلاش های خویش را در جهت یک جامعه صاف و منزه از همه منکرات انجام داده و مردم را بیشتر به سوی انجام اعمال نیک اعم از کسب علم، راستی، آرامش، تواضع، عفت، قناعت، عدل، ایثار، عفو، نیکوکاری، پاکیزه گی، حمایت از مظلومان، وفا به عهد، صلح رحم، مهرورزی، مراعات حقوق انسانها، جوانمردی، سخا و عفت دعوت نموده و تا پای جان علیه رذایل

اخلاقی چون: دروغ‌گویی، حسد، حرص، تکبر، خشم، گمان‌بد، بهتان، بخل، قساوت، نخوت، تملق، غفلت، ناامیدی، ریا، عیب‌جویی، سخن‌چینی، نفاق، انتقاد ستیزی ... مبارزه نموده است.

منابع

1. قرآن کریم.
2. اصفهانی، راغب(ب ت). مفردات الفاظ قرآن، بی‌جا.
3. بنایی امشلی، حسین علی.(1395). امر به معروف و نهی از منکر در آثار مولوی، سعدی و حافظ. ب ج.
4. پورنامداریان، تقی(1377). تاملی در معنی و صورت شعر حافظ. تهران: سخن.
5. حسام، اقبال.(1401). نظری بر اشعار روشن از دید اخلاق ستوده. مجله پامیر.ش.20.
6. دوست محمدی، هادی.(1360). مسوولیت و نظارت مردم در حکومت اسلامی. ب ج.
7. رزمجو، حسین(1382). نقد نظری بر شعر گذشته از دیدگاه اخلاق اسلامی. ج2. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
8. رضایی، رمضان.(1393). در آمدی بر مضامین اخلاقی از دیدگاه سعدی و یونس امره. مجموعه مقالات. دانشگاه محقق اردبیلی.
9. سلیمانی، فرانک.(1388). جلوه های صلح و بشردوستی در اشعار مولانا، حافظ و سعدی. ب ج.
10. عدیم، سید زمان الدین.(1380) اشک حسرت. پاکستان: راولپندی.
11. فروزانفر؛ بدیع الزمان.(1386). احادیث مثنوی. نشر فرهنگ اسلامی.
12. مسعود، محمد اسحق.(1374). پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دید قرآن و روایات. نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
13. معین، محمد.(1382). فرهنگ معین. امیر کبیر: تهران.